

چرا مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم، عمدتا مائوئیسم؟

ماتریالیسم دیالکتیک علم است و این علم است که در هسته ایدیولوژی علمی پرولتاریا یعنی مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم، عمدتا مائوئیسم قرار دارد. از همین رو است که ایدیولوژی بین المللی پرولتاریا جنبه علمی دارد و برخلاف دیگر ایدیولوژی ها، مبرا از هر خرافه و رهیده از هر دگم مییاشد.



ماتریالیسم دیالکتیک برای ما می آموزد که هر پدیده/ چیز یک تضاد است. همه چیز تضاد است. همه پدیده ها چندین جنبه دارند که یکی از آنها اصلی بوده و عمده گی دارد. هر پدیده ای متضاد است یعنی که با خویش در تضاد است یا به عباره دیگر تضاد های خویش را دارد.

صدر مائوتسه دون می نویسد:

«تضاد اصلی است که وجود و توسعه آن تعیین کننده وجود و توسعه سایر تضادها است یا بر آنها تأثیر می گذارد.»

از همین رو است که صدر مائوتسه دون ما را به مطالعه و شناسایی تضاد اصلی فرا می خواند:

« بنابراین، در مطالعه هر فرآیند پیچیده ای که در آن دو یا چند تضاد وجود دارد، ما باید برای یافتن تضاد اصلی تلاش کنیم.

وقتی این مورد پیدا شد، همه مشکلات به راحتی حل می شوند. »

بر مبنای ماتریالیسم دیالکتیک ، هر چیز یک تضاد است، و البته خود تضاد نیز.

مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم مانند سایر پدیده ها/ امور/ ایدئولوژی ها یک تضاد است. این ایدئولوژی مراحل را در مسیر تکاملی خویش در گذشت زمان پیموده و تکامل آن به مثابه یک تضاد، سیر دیالکتیکی تکامل آن، سبب تکامل آن تا مرحله **مائوئیسم** گردیده است. هنگامی که از **مارکسیسم** به **مارکسیسم-لنینیسم** میسریم، می بینیم که جهت عمده تکامل تضاد های ایدئولوژی علمی طبقه کارگر، لنینیسم بوده است. به دیگر سخن، **لنینیسم** در **مارکسیسم-لنینیسم** عمده گی داشته است. هنگامی که به مرحله **مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم** میسریم، **مائوئیسم** جهت عمده و رانه اصلی تکامل این ایدئولوژی می باشد. از همین رو است که می گوئیم: **مائوئیسم در مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم** جهت عمده بوده و عمده گی دارد. اگر منکر این عمده گی شویم، یا ماتریالیسم دیالکتیک را درک نکرده ایم یا آنکه در برابر آن قرار گرفته ایم.

مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم یک (کل واحد)، یک هستار یعنی یک تضاد است و جهت عمده آنرا **مائوئیسم** تشکیل میدهد.

هنگامی که از « اندیشه راهنما» یا مثلاً از « اندیشه گونزالو» یا « اندیشه سراج سکر» سخن می گوئیم، پیوند دیالکتیکی عام و خاص یعنی دیالکتیک عام و خاص را در امری واحد یعنی در **مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم** در نظر داشته و به درستی به مقوله اندیشه راهنما میسریم. به عباره دیگر، از منظر عام/ کل، ایدئولوژی علمی پرولتاریای سراسر کشور ها، **مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم**، **عمدتاً مائوئیسم** است. اما، بر مبنای ویژگی های ملی و یا کشوری، انطباق خاص/ خلاق و ویژه یعنی چگونگی به کار بست حقیقت عام و جهان شمول

ایدیولوژی علمی طبقه کارگر جهان در شرایط خاص هر کشور مفروضی، ویژه گی مشخصی است که همان به کار بست حقیقت عام **مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم** در شرایط خاص یک کشور مفروض میباشد. همانگونه که عام بدون خاص وجود ندارد (دیالکتیک عام و خاص)، خاص بدون عام معنایی و هستی ندارد. حقیقت جهان شمول ایدیولوژی علمی پرولتاریا نیز به شکل خاص خود یعنی مطابق اوضاع مشخص هر کشور، وجود داشته و به کار بسته میشود. احزاب منحرف نظیر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان که در برابر عمده گی **مائوئیسم** و علیه «اندیشه راهنما» کج حرفی می کنند، درک نادرست بل ناآگاهی خویش را از دیالکتیک عام و خاص به منصفه ظهور میرسانند. چنین است «روز و حال» سازمانهای رویونیست نظیر سازمان رهایی افغانستان که هنوز به درک **مائوئیسم** نایل نشده اند تا چی رسد به آنکه به دیالکتیک عام و خاص و بررسی جهت عمده در تکامل ایدیولوژی پرولتاریا بیاندیشند. اصولا احزاب و سازمانهای رویونیست با دیالکتیک میانه بی ندارند و نمی توانند دیالکتیک را درک کنند. از همین رو است که رویونیست ها و منحرفین «وطنی» در برابر ایدیولوژی علمی پرولتاریا یاهه سرایی می کنند.

دیالکتیک عام و خاص ما را قادر می سازد که همانگونه که بر مبنای درک دیالکتیکی **مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم، عمدتا مائوئیسم** را ایدیولوژی علمی پرولتاریای همه کشور ها می دانیم، تطبیق آن در شرایط خاص افغانستان را که همان **خط اکرم یاری** و **اندیشه او** است، ویژه و خاص کشور خویش دانسته و مطمئن باشیم که **مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم اندیشه اکرم یاری، عمدتا اندیشه اکرم یاری** همان **مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم، عمدتا مائوئیسم** است که در شرایط خاص کشور ما به کار بسته میشود.

سازمان کارگران افغانستان (مارکسیست-لنینیست-مائوئیست، عمدتا

مائوئیست)

۱۱ نوامبر ۲۰۲۳ میلادی